

بررسی تطبیقی تشکل‌های دانشجویی در فرانسه و ایران

احمد نقیب زاده *

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

علیرضا جانزاده

دکترای علوم اجتماعی دانشگاه استراسبورگ ۲

(تاریخ دریافت: ۱۹/۳/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۹/۹/۱۷)

چکیده:

بر خلاف جنبش‌های دانشجویی که بیشتر دل مشغول مسایل جامعه هستند و زمانی شکل سازمانی به خود می‌گیرند که رابطه میان جامعه و سیاست حاد شده باشد؛ تشکل‌های دانشجویی به دنبال خواست‌های دانشجویی در وضع عادی هستند. در این مختصر با اشاره به تاریخچه کوتاه‌پیدایی سازمان‌های دانشجویی در فرانسه و بنیان‌های فکری و عملی ایجاد این تشکل‌ها و نیز معرفی سه اتحادیه عمده دانشجویی فرانسه و بیان ایده‌های آنان در انتخابات دانشجویی به اختصار به برخی از دیدگاه‌های دانشجویان فرانسوی در خصوص زندگی و امور تحصیلی‌شان اشاره شده است. سپس به تاریخچه تحركات دانشجویی در ایران در قیل و بعد از انقلاب اسلامی توجه و بعد به طبقه‌بندی تشکل‌های دانشجویی و نقش و کارکرد آن در ایران پرداخته شده است. در پایان به تفاوت‌ها و شباهت‌ها در انگیزه تحركات دانشجویی در فرانسه و ایران بطور مختصر اشاره شده است. در این پژوهش به جنبش‌های دانشجویی و نیز تشکل‌های دانشجویی هر دو به دلیل اینکه هر کدام قسمتی از فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان را تشکیل می‌دهند توجه شده و این پژوهش مطالعه‌ای توصیفی - تطبیقی است که با مطالعه متون موجود به پی‌جویی سئوالات مطرح شده در این تحقیق می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

تحركات دانشجویی در فرانسه، تشکل‌های دانشجویی در فرانسه، اتحادیه دانشجویی در فرانسه، انتخابات دانشجویی در فرانسه، تحركات دانشجویی در ایران، تشکل‌های دانشجویی در ایران

مقدمه

جنبش های جدید اجتماعی به مبارزه در حوزه فرهنگ توجه دارند. هابرماس دو قلمرو و جامعه را از هم متمایز می کند: قلمرو زندگی روزمره و قلمرو نظام. این دو قلمرو هر یک از خصیصه ها و عقلانیت مختص به خود برخوردارند. در قلمرو نظام با خرده سامانه ها، سازمان های عقلانی، احزاب و گروه های رسمی سیاسی و در نهایت با نوعی کنش راهبردی مواجه ایم. ملاک قوی و تعیین کننده در این قلمرو قدرت و پول است؛ اما قلمرو زندگی روزمره قلمرو خانواده، افراد و گروه های فرهنگی و اجتماعی است. همین طور قلمرو شبکه های اجتماعی غیردولتی و مردمی و البته قلمرو کنش ارتباطی است یعنی کنشی که نه در پی سلطه و منفعت بلکه کنشی که صرفاً در جستجوی ارتباط و فهم است. در روزگار ما قلمرو نظام و عقلانیت ابزاری، عرصه زندگی روزمره را مورد تهاجم قرار داده اند و به اصطلاح مستعمره خود ساخته است. در اینجا جنبش های اجتماعی سر می کشند؛ جنبش هایی که نه در پی کسب قدرت یا ثروت بلکه در پی نجات زندگی روزمره از قلمرو دولتی و سیستمی و گسترش حوزه عمومی بر می آیند. از نظر هابرماس عقلانی شدن در نظام به زیان توسعه و تکامل زندگی روزمره منجر شده است. ما باید رابطه ای جدید بین این دو برقرار کنیم. راه پیشروی و نزاع با مستعمره شدن این است که حوزه عمومی را گسترش دهیم. گسترش حوزه عمومی جز با تقویت جنبش های اجتماعی ممکن نمی شود که در برابر این استعمار مقاومت کنند. در نتیجه جنبش های اجتماعی و از جمله جنبش دانشجویی اگر در پی تقویت دموکراسی هستند راهبرد متفاوت از گروه های سیاسی مستقر و مرسوم باید انتخاب کنند. در حالی که احزاب در پی تقویت نهادهای سیاسی، تغییر یا تثبیت قواعد بازی سیاسی جهت پیشبرد اهداف خود هستند هدف جنبش اجتماعی بسط و گسترش حوزه عمومی در همه ابعاد آن است (کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۲۴). متنی که جنبش های دانشجویی باید در آن خود را معنا کند همان زندگی روزمره است و نه متن سیاسی و سازمانی.

دیدگاه نظری: از زاویه نگاه تقسیم وظایف و کارکردهای اجتماعی، برای دانشجوی و دانشگاه، به عنوان نهادی علمی و نیروی فعال آن، سه وظیفه اساسی در نظر می گیرند:

۱. تعلیم و تعلم؛
۲. پژوهش و تحقیق؛
۳. پاسداری از سنن علمی، فرهنگی و هدایت معنوی جامعه.

با این حال، نقش اول و دوم دانشجوی هیچ کدام و هیچ گاه تعطیل پذیر نیست؛ تنها کیفیت شرایط اجتماعی است که بر شدت و ضعف یا تقدم و تاخر آنها تاثیر می گذارد. نقش اول دانشجوی، نقش علمی، آموزشی و پژوهشی و به عبارتی نقشی حرفه ای است. از آنجا که

دانشجو در شرایط عادی، تنها به آموختن مشغول می‌شود، تحصیل به نوعی حرفه او محسوب می‌شود. دانشجو در نقش دیگر خود که نقش اجتماعی و سیاسی است، به صورت مفسر و منتقدی اجتماعی جلوه می‌کند. این ویژگی، گاه از موضع پژوهش بی‌طرفانه علمی صورت می‌گیرد و گاه براساس تعهدی سیاسی-ایدئولوژیک یا احساس وظیفه‌ای دینی و آیینی. به تعبیر باتامور، جامعه‌شناس امریکایی: «دانشگاه ساختی مختص دانش و تفکر انتقادی است» (باتامور، ۱۳۶۹، ص ۱۰۶). از نکات فوق می‌توان نتیجه گرفت که دانشجو وقتی به محیط دانشگاه می‌آید با دو ویژگی آشنا می‌شود:

اول، ویژگی پرسشگری یا روحیه چون و چرا کردن؛

دوم، ویژگی آرمانخواهی، اصول‌گرایی و کمال‌پرستی.

این دو ویژگی، دانشجو را به ذهنی پرسشگر و روحی پرخاشجو بدل می‌کند و او را خواهان حقیقت و عدالت می‌سازد (سفیری، ۱۳۷۹، ص ۲۴۸). جدای از حضور در دانشگاه، دانشجویان در جامعه خود و در جهان نیز حضور خود را حس می‌کنند.

سئوالات تحقیق:

- ۱- آیا دانشجویان تحرکات اجتماعی خاص خود را دارند و آیا در این مورد با دیگر گروه‌های جامعه تفاوتی دارند؟
 - ۲- آیا انگیزه فعالیت‌های دانشجویی در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد؟ از جمله و به عنوان مطالعه موردی در فرانسه و ایران؟ و در صورت بله علت آن چیست؟
 - ۳- جدای از جنبش‌های دانشجویی اگر شکل های دانشجویی را نیز به نوعی فعالیت اجتماعی رسمی دانشجویان بدانیم نقش و کارکرد این فعالیت‌های چیست؟
- در این مطالعه توصیفی-تطبیقی مسئله اصلی تحقیق بررسی نقش و عملکرد تحرکات دانشجویی در جامعه است که به عنوان مطالعه موردی به بررسی تطبیقی حرکت‌ها و شکل‌های دانشجویی در فرانسه و ایران بر حسب منابع موجود منتشر شده (فارسی و لاتین) خواهد پرداخت و با این روش در جستجوی پاسخ به سئوالات مطرح شده در این پژوهش خواهد بود.

جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی دومین جنبش اجتماعی بعد از جنبش کارگری است که در غرب پدیدار شد. ظهور حرکت‌های دانشجو در فرانسه و آلمان در دهه ۱۹۶۰ امری بی‌سابقه بود که تصادفاً به تغییرات سیاسی در این کشورها خصوصاً فرانسه منجر شد. ظهور جنبش دانشجویی فرانسه مقارن با ظهور مکتب انتقادی فرانکفورت و تئوریهای هربرت مارکوزه، هابرماس (حوزه

عمومی و عقل ارتباطی) و گرامشی (جامعه مدنی) بود. ویژگی‌های این جنبش که از دهه ۶۰ به بعد پدید آمده اند عبارتند از:

- از نظر پایگاه اجتماعی متکی بر طبقه متوسط هستند؛
- غیرابزاری بوده؛ یعنی آنکه منافع مستقیم گروه اجتماعی خاصی را نمایندگی نمی‌کنند، اغلب اعتراضاتی نسبت به وضعیت اخلاقی جامعه دارند.
- بیشتر به سوی جامعه مدنی جهت‌گیری شده اند و نه دولت. از این رو هدفشان کسب قدرت دولت نیست.

- این جنبش‌ها بیشتر به جنبه‌هایی نظیر فرهنگ، شیوه زندگی و مسائل نمادین در جامعه توجه می‌کنند. و مبارزاتشان بر سر قدرت برای بر ساختن هویت‌های جدید و خلق فضای دموکراتیک برای کنش اجتماعی است.

- سازماندهی این نوع جنبش‌ها، باز، انعطاف‌ناپذیر و غیر رسمی است.
- تکیه زیادی بر رسانه‌های جمعی دارند و از طریق آنها درخواست خود را مطرح می‌کنند و اعتراضات خود را نمایش می‌دهند.

- عمدتاً ارزش‌ها و هنجارهای مسلط جامعه را به چالش می‌کشند (کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۳۲).
از جنبه دیگر «طغیان دانشجویان پدیده‌ای جهانی است ولی تجلیات آن در کشورهای گوناگون و دانشگاه‌های مختلف، صورت‌های متفاوت داشته است. پیدا کردن وجه مشترک اجتماعی برای این نهضت امکان‌پذیر نیست، لیکن باید اذعان کرد که آنچه افراد این نسل را همه جا از لحاظ روانی ممتاز می‌کند، شجاعت محض، اراده‌ای شگفت‌انگیز برای عمل و اطمینان به همان میزان اعجاب‌آور به امکان دگرگون‌سازی است» (گرانپایه بهروز در کتاب سفیری، ۱۳۷۹، ص ۱۸۷).

دانشگاه عرصه اصلی جنبش دانشجویی

عموماً جنبش‌های دانشجویی، جنبش‌هایی هستند که به لحاظ سنی به شدت جوان هستند و از این رو از آرمانگرایی بسیار بالا برخوردارند و از پویاترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. در عین حال دانشجویان از زمره گروه‌های اجتماعی هستند که فاقد موقعیت اجتماعی با ثبات هستند؛ امری که در درجه رادیکالیسم این جنبش موثر است. معمولاً گروه‌های با ثبات تر اجتماعی، کمتر از رادیکالیسم گروه‌های اجتماعی جوان و سیال برخوردارند. جنبش دانشجویی به خاطر سروکار داشتن با علم و فکر و دانش اساساً از ترکیب روشنفکری بالا برخوردار است. این مسئله میزان حساسیت‌های سیاسی را در این جنبش افزایش می‌دهد. علاوه بر این به لحاظ سازماندهی مراکز دانشگاهی قادر به بسیج و سازماندهی منحصر به

فردی هستند. جنبش دانشجویی به خاطر ویژگیهای فوق از قدرت بسیج و سازماندهی بهتر و سریعتر در مقایسه با دیگر اقشار برخوردار است. این مجموعه ویژگیها، جنبش دانشجویی را در بسیاری از کشورها به جنبشی رادیکال و پیشتاز (آوانگارد) بدل ساخته است که معمولاً با فاصله ای جلوتر از دیگر جنبش های اجتماعی عمل می کند. این امر بخصوص در اروپا در دهه ۶۰ و ۷۰ مشهود بود. تا آنجا که متفکرانی نظیر هربرت مارکوزه بر آن شدند که در امریکا این جنبش دانشجویی است که رسالت انقلاب را بر عهده دارد. بهر رو عموماً دانشجویان از نخستین گروههایی هستند که نسبت به مسایل سیاسی واکنش نشان می دهند. این ویژگی جنبش دانشجویی در کشورهای جهان سوم که طبقات اجتماعی قوام یافته به مفهومی که جامعه‌شناسان از آن یاد می کنند، وجود ندارد. طبقه اجتماعی همان طبقه اقتصادی نیست علاوه بر موقعیت اقتصادی، منزلت اجتماعی، پیشینه و میراث گذشته، عادات و رفتار جمعی که بوسیله تربیت و پرورش گروهی در هر فرد درونی می شود، درجه آگاهی از موقعیت خود و حس اشتراک و تعلق طبقاتی و بالاخره درجه سازمان یابی از جمله عواملی است که در تعیین جایگاه طبقاتی و تفکیک طبقات اجتماعی از یکدیگر نقش دارند. در این مفهوم در بسیاری از کشورهای جهان سوم و از جمله ایران طبقات اجتماعی جامعه نیرومند نیستند. تشکل، خودآگاهی و احزاب خود را ندارند و یا بسیار ضعیف هستند. در این شرایط، نقش پیشتازی (آوانگاردی) جنبش روشنفکری و دانشجویی دو چندان می شود. به گونه ای که در حلاء حضور طبقات اجتماعی اصلی جامعه (که معمولاً از طریق احزاب و تشکل‌هایشان خواسته‌هایشان را بیان می کنند). این جنبش روشنفکری و دانشجویی است که عملاً به دماسنج تحولات اجتماعی در درون جامعه بدل می شود (درویش پور، مهرداد دی ۱۳۷۹).

ویژگی‌های عمومی جنبش دانشجویی معاصر

اکثر نظریه‌پردازان علوم اجتماعی دانشجویان را به مثابه یک «مقوله اجتماعی» (Social Category) شناخته‌اند. به عبارت دیگر، آنچه وجه اشتراک دانشجویان را تشکیل می‌دهند نه طبقاتی - حرفه‌ای، نه منزلت اجتماعی و نه گرایش آنها با سیاست که پیوندشان با علم و اندیشه است. از همین روست که آنها را جزئی از مقوله اجتماعی روشنفکران می‌شمرند. در کشورهایی با نظام سیاسی اقتدارگر، خصلت اعتراضی و رادیکال جنبش های دانشجویی را می‌توان از سه منبع گوناگون منبعث دانست: اول، نارسایی‌های نظام سیاسی که معمولاً زمینه‌ساز اکثر فعالیت‌های اعتراضی است. دوم، مشکلات عمومی نسل جوان و بالاخره نارضایتی‌های صنفی و آموزشی دانشجویان. در کشورهایی نظیر ایران که ورود به دانشگاه با

موانع و محدودیت‌های بسیار روبه‌رو است، از دانشجویان می‌توان به عنوان وجدان آگاه جامعه یاد کرد (مشایخی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

در کشورهای غربی دانشجویان به عنوان درصدی مشخص از کل جمعیت کشور، اولاً مطالبات صنفی خاص خود را از طریق نمایندگان منتخب خود در تشکلی فراگیر هم چون اتحادیه‌ی ملی دانشجویان (National Union of Students) تعقیب می‌کنند و ثانیاً آرای خود را در سطح کلان جامعه به عنوان شهروندان برابر، از طریق احزاب بزرگ نهادینه شده به صندوق‌های رای می‌ریزند. در چنان جامعه‌ی نقد قدرت بر عهده‌ی احزاب اقلیت، مطبوعات مستقل و تشکل‌های مدنی است.

در جامعه‌ای سالم و متعادل، مسئولیت اجتماعی و سیاسی به طور متعارف میان همه‌ی مردم توزیع می‌شود، اما در ایران، اکثریت مردم به طور جدی حاضر به هزینه کردن رفاه مادی یا اوقات فراغت خویش در کار سیاسی دراز مدت آهسته و پیوسته نیستند و فقط در مقاطعی که احساسات بر آنها غلبه می‌کند، بسیج می‌شوند. لذا این بار سنگین بیش‌تر بر دوش دانشجویان- و نیز روزنامه‌نگاران- افتاده است. جریان دانشجویی ایران دست کم از دوران نهضت ملی و بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیش از هر چیز به جای این که جریانی صنفی باشد و موضع‌گیری‌های آن در قبال مسایل صنفی و دانشجویی باشد، تشکل، حضور و موضع‌گیری‌های آن همیشه در قبال مسایل بنیادین منافع ملی بوده است و این یکی از نکات حائز اهمیت در جنبش دانشجویی ایران به شمار می‌رود که دانشجو از موقعیت تشکل خودش به سود صنف خودش بهره نمی‌گیرد؛ بلکه اصلاً ذهنیتش به دور از مسایل صنفی که به اعتبار گرفتن امکانات رفاهی است، همیشه موضع‌گیری‌اش در چارچوبی صورت می‌گیرد که به مساله‌ی استقلال کشور، از زیر سلطه بیرون آمدن، رودرروی با استبداد و برخورد با سلطه‌ی حاکمیت و اعتراض به عملکردهای حاکمیت برمی‌گردد. این یکی از ویژگی‌های حرکت نهضت ملی است که از فردای کودتای ۲۸ مرداد آغاز می‌شود (امین، ۱۳۸۳:۸). در اینجا ذکر این موضوع خالی از لطف نیست که دانشجویان به اقتضای سن و رویکرد آرمان خواهانه خود حساسیتی ویژه نسبت به مقولات عدالت، تبعیض در جامعه و آزادی دارند. به این موضوع رویکرد دوری از قدرت - حداقل در ظاهر - را نیز اضافه کنید. حال آنکه دغدغه‌های موجود در میان فعالان و نخبگان سیاسی دانشجویی تا چه اندازه در میان توده دانشجویان نیز مطرح است، بحثی جداست که به عوامل زیادی مانند تعالی شخصی، کیفیت تحصیلی در دبیرستان، نوع تربیت خانوادگی، محل زندگی، میزان رفاه و ... بستگی مستقیم و پیچیده دارد (ملکا آشتیانی، ۱۳۸۶، صص ۱-۷).

فعالیت در کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی: از طرف دیگر از جمله فعالیت‌های دیگر اجتماعی دانشجویان، فعالیت در کانون‌های دانشجویی است. با توجه به تغییرات عمده که در دیدگاه و عملکرد سازمان‌های دانشجویی از چند دهه گذشته تاکنون به عمل آمده است. به نظر می‌رسد امروزه فعالیت‌های دانشجویی همزمان با توجه به آگاه‌سازی ملی از طرف دانشجویان گام‌های بیشتر در مسیر سازماندهی و رفع مشکلات دانشجویی و نیز توجه به آینده شغلی دانشجویان برداشته است. بر خی محققان و دست‌اندرکاران امر آموزش نیز به فعالیت‌های دانشجویان در تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها به عنوان عمل اجتماعی دانشجویان که مکمل یادگیری‌های آموزشی است نگاه و توجه دارند و معتقدند که این مشارکت به توان بیشتر دانشجویان در زندگی و آینده شغلی آنها می‌انجامد. نکته مهم این است که برخلاف جنبش‌های دانشجویی که بیشتر دل مشغول مسایل جامعه هستند و زمانی شکل سازمانی به خود می‌گیرند که رابطه میان جامعه و سیاست حاد شده باشد؛ تشکل دانشجویی به دنبال خواست‌های دانشجویی در وضع عادی است (تشکل‌های صنفی دانشجویی، ص ۱). به همین لحاظ در اینجا مناسب خواهد بود که جدا از مسئله جنبش‌های دانشجویی به فعالیت دیگر دانشجویان که به صورت رسمی در تشکل‌های دانشجویی انجام می‌گیرد اشاره داشته باشیم که در عمل اجتماعی امروز و به عنوان تجربه و در مدیریت زندگی و آینده شغلی آنها در آینده اثر بخش خواهد بود. در ضمن مناسب خواهد بود به این نکته اشاره شود که جنبش‌های دانشجویی قابل تبدیل شدن به تشکلهای دانشجویی و بر عکس هستند. لازم است انواع تشکل‌های دانشجویی را متمایز کرد. کانون‌ها و انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی را عمدتاً به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: «تشکل‌های علمی»، «تشکل‌های فرهنگی» و «تشکل‌های سیاسی».

در واقع می‌توان گفت که تشکلهای علمی در جهت تقویت کارکردهای آموزشی و پژوهشی هستند. تشکل‌های فرهنگی آن دسته از تشکل‌هایی هستند که فعالیت‌های ورزشی، هنری، ادبی و... انجام می‌دهند. نفس فعالیت این تشکل‌ها ظاهراً نسبت به الگوهای مطرح شده خنثی است؛ اما وقتی دقیق‌تر نگاه کنیم، به نظر می‌رسد که این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به تقویت الگوی مربوط به عام‌گرایی و همین‌طور جمعی دیدن حاصل فعالیت‌ها می‌انجامد. یعنی کسانی که در تشکلی، نشریه‌ای را انتشار می‌دهند یا در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند، به تدریج این روحیه در آنها ایجاد می‌شود که این حاصل کار جمعی است و روحیه جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی در آنها تقویت می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

کارکردهای تشکلهای دانشجویی

در کل می‌توان گفت:

۱. تشکلهای دانشجویی می‌توانند در جهت تقویت کارکردهای آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی و علمی دانشگاه‌ها اقدام کنند؛
 ۲. تشکلهای دانشجویی می‌توانند به رشد همه‌جانبه روانی، اجتماعی و شناختی دانشجویان کمک کنند و باعث تقویت مسئولیت‌ها و شایستگی اجتماعی و فرهیختگی‌های هنری و فرهنگی دانشجویان شوند؛
 ۳. کانون‌های دانشجویی می‌توانند به ایجاد رابطه میان دانشگاه و جامعه کمک کرده و فاصله میان آن دو را کاهش دهند؛
 ۴. تشکلهای دانشجویی به دلیل کارکردهای آشکار و پنهان سیاسی و پاسخگویی به مجموعه متنوع گرایش‌ها، می‌توانند نقشی مهم در ایجاد مناسبات و کارکرد سالم و بایسته سیاسی دانشگاه داشته باشند؛
 ۵. آنها می‌توانند باعث تعمیق و گسترش فرهنگ گفتگو، نقد و تبادل و اندیشه در دانشگاه و جامعه شوند؛
 ۶. باعث ایجاد و ساماندهی کانون‌های تفکر و نظریه‌پردازی در دانشگاه و جامعه شوند؛
 ۷. در جهت تقویت روحیه خلاقیت، نوآوری و ابداع در میان دانشجویان و جامعه تلاش کنند؛
 ۸. باعث گسترش نگرش‌ها و نظریه‌های جدید علمی در میان دانشجویان و جامعه شوند؛
 ۹. باعث افزایش نشاط و تحرک اجتماعی در میان دانشجویان شوند؛
 ۱۰. باعث پر شدن شکاف‌های ارزشی و فرهنگی در میان اقشار مختلف دانشجویان شوند؛
 ۱۱. می‌توانند در جهت انطباق علم و تکنولوژی با ساختار فرهنگی جامعه و بومی شدن علم تلاش کنند (حیدری، ۸۳، ۱۳۸۶/۳/۲۴).
- در صفحات آتی ما به تاریخچه و نقش و کارکرد این تحرکات و تشکلهای دانشجویی در فرانسه و ایران اشاره خواهیم داشت.

بخش اول. تحرکات و تشکلهای دانشجویی در فرانسه

الف. منشاء و تاریخچه

نخستین انجمن عمومی دانشجویان (AGE) (association general d' etudiants) در سال ۱۸۷۸ در شهر لیل (Lille) فرانسه ایجاد شد و سپس در سال ۱۸۸۴ در پاریس و در سال ۱۹۰۰ در مون پلیه (Montpellier) بوجود آمد و بعد در سال ۱۹۰۷ در کنگره شهر لیل انجمن‌های

عمومی دانشجویان AGE اظهار کردند که به صورت تشکل دانشجویی در می آیند (سیگل، ۲۰۰۵). در سال ۱۹۴۶ در مجموعه مصوبات آنها در شهر گرونوبل (Grenoble) دانشجویان خود را به عنوان کارکنندگان جوانی که حرفه آنها کار فکری است (Jeune travailleur intellectuel) توصیف و unef را به عنوان سندیکای خودشان معرفی کردند. در ۱۹۴۸ تأسیس سازمان تامین اجتماعی دانشجویان (بیمه) و در سال ۱۹۸۹ تأسیس تشکل دانشجویی FAGE در لیل و سپس در پاریس شکل گرفت. ما در این مختصر به سه اتحادیه سراسری مهم دانشجویان فرانسه که تشکل های دانشجویی بسیاری را در زیر مجموعه خود جای داده اند اشاره می کنیم. یعنی UNI، UNEF و FAGE البته سازمان های دانشجویی متعدد از ۱۹۰۴ تاکنون در فرانسه بوجود آمده اند که در سطح ملی کمتر فراگیر بوده اند و که ما به رعایت اختصار از اشاره به آنها در می گذریم. ولی شناخت سیر این تشکل های دانشجویی در فرانسه مانند موازیک های یک کلیت، جنبه های مختلف تشکل های دانشجویی، علت وجودی آنها را برای ما می نمایاند.^۱ اما آنچه که تشکل های دانشجویی فرانسه را برای ما با اهمیت می کند وقایع و تحرکات دانشجویی ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه و تاثیر آن بر جامعه فرانسه و سرایت آن به دیگر کشورهای اروپایی و نقطه آغاز تحولی فرهنگی جدید در جامعه فرانسه است. این جنبش، خیزشی که از اعتراض یک گروه دانشجویی شروع شده بود، میلیون ها نفر از مردم شهرنشین فرانسه را به خیابان ها کشاند. برخلاف همیشه، بحران های اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی زمینه ساز جنبش مه ۱۹۶۸ نبودند بلکه این جریان، محصول سرزدن نگاهی انتقادی به جامعه غربی بود و اتفاقی فرهنگی را نیز به دنبال داشت: آزادسازی نهادها و به تعبیر هابرماس جا به جا کردن مرزهای مستقر. نقد تقسیم بندی های موجود میان حوزه عمومی - حوزه خصوصی، میان کار یدی و کار فکری، میان جهان اول و جهان سوم، نقد ایدئولوژی سنتی لیبرالی و انقلابی، نقد فرهنگ سیاسی غالب و طرح یک سلسله ارزشهای فراگیر و شمولیت پذیر و در کل این اتفاق محصول همدستی تخیلات جوان از یک سو و اندیشه انتقادی از سوی دیگر بود. پیوند خوردن وضعیتی با آرزویی رویارویی صریح و شفاف آنچه که هست با آنچه که باید باشد و اراده ای برای تحقق این تقابل در نتیجه ترکیبی از تخیل و اندیشه و اراده. خیالات هر جامعه ای نیز طبیعتاً شبیه خود آن جامعه است، حتی اگر به قصد نقد خود برخیزد. در فرانسه از مه ۶۸ خاطره خوش یک زنگ تفریح شاد و سرخوش را نگه داشته اند و در چکسلواکی و یوگسلاوی نه. در باره «فایده و لزوم» این بلوا، نه در آن موقع و نه این زمان، هیچ اجماعی وجود نداشت و ندارد. عده ای، آن شورش را ضروری و مفید می دانستند و می دانند و دستاوردهای چون

۱. برای اطلاع از تاریخ مختصر این تشکل های دانشجویی در فرانسه نگاه کنید به: قسمت Organisation etudiant در

آزادی و ابتکار بیشتر در سیستم آموزشی، تغییر مناسبات استاد و دانشجو، امکان انتخاب بیشتر، پیدایش گروه‌ها و نهادهای اجتماعی مستقل به موازات قدرت، تمرکززدایی نظام سیاسی، آزادی بیشتر زنان، شکل‌گیری فرهنگ موازی معترض و... را مثبت ارزیابی می‌کنند (شریعی، ۱۳۸۰). همانطور که قبلاً اشاره شد بر خلاف جنبش‌های دانشجویی که بیشتر دلمشغول مسایل جامعه هستند و زمانی شکل سازمانی به خود می‌گیرند که رابطه میان جامعه و سیاست حاد شده باشد. تشکل دانشجویی به دنبال خواست‌های دانشجویی در وضع عادی است و جدا از مسئله جنبش‌های دانشجویی در فرانسه مناسب خواهد بود به فعالیت‌های دیگر اجتماعی دانشجویان در تشکل‌های دانشجویی که جنبه رسمی نیز دارند و اشاره داشته باشیم:

زمینه‌های فکری ایجاد تشکل‌های دانشجویی در فرانسه

با مطالعه متون چاپ شده در باره تحولات تاریخی تشکل‌های دانشجویی در فرانسه می‌توان آنها را چنین طبقه بندی کرد: در فرانسه تشکل‌های دانشجویی برحسب وضعیت‌های مختلف ممکن است صورت گیرد. مثلاً:

- ۱- برحسب تخصص مانند انجمن دانشجویان دندانپزشکی؛
- ۲- برحسب دین یا مذهب مثلاً دانشجویان کاتولیک؛ مسلمان و دیگر ادیان و مذاهب مانند انجمن تبلیغات دانشجویان کاتولیک فرانسه (Mission etudiante catholique de France) یا دانشجویان مسلمان فرانسه (EMF) (Etudiants Musulmans france) (اولیویه، روآ و ایون، یازبک، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۲).
- ۳- تشکل بر حسب ایده فکری مثل انجمن دانشجویان سوسیالیست و یا راست (به نام غیرمستقیم) و غیره؛
- ۴- تشکل برحسب منطقه جغرافیایی (مثلاً استان‌ها یا شهرهای فرانسه)، انجمن دانشجویان شهر تولوز؛
- ۵- تشکل برحسب ملیت‌های مختلف مثل انجمن دانشجویان الجزایری یا مراکشی یا کروات‌ها (Association d' Etudiants croatie France) در فرانسه؛
- ۶- تشکل برحسب زبان، مثلاً انجمن دانشجویان فرانسوی زبان در کشور... ما به لحاظ رعایت اختصار با صرف نظر از اشاره به هر کدام از این انجمن‌ها و تشکل‌ها که تعدادی بی‌شمار را در فرانسه تشکیل می‌دهند فقط مهم ترین اتحادیه‌های دانشجویی را که در انتخابات دانشجویی حائز اکثریت رأی دانشجویان هستند را ذکر می‌کنیم که البته این اتحادیه‌ها در زیرمجموعه خود شامل این تشکل‌های دانشجویی نیز می‌شوند. قابل ذکر است که خود این اتحادیه‌های دانشجویان فرانسه عضو اتحادیه دانشجویان اروپا ESIB و نیز عضو اتحادیه‌های

دانشجویان جهان برحسب تقسیم‌بندی بالا، مانند اتحادیه بین‌المللی دانشجویان پزشکی یا فدراسیون‌های دانشجویان مسیحی (Federation internationale des Associations d' Etudiants en medicine و Federation europeenne d' Associations d' Etudiants chretiens و غیره هستند.

ب: تشکل‌های دانشجویی در فرانسه و بیان ایده‌های خود در انتخابات دانشجویی

الف - اتحادیه کانون‌های دانشجویان (La federation des associations generales des etudiants) این اتحادیه دانشجویی در سال ۱۹۸۹ ایجاد شد تا اینکه به تدریج به توانایی گسترش عمل خود در سطح ملی (کشوری) دست یافت و بوسیله برخی دانشجویان برای دفاع از حقوق آنها در سطح ملی مورد پذیرش قرار گرفت. اکنون ۱۴۰۰ تشکل دانشجویی را در ۱۳ واحد (به همراه نظم و سلسله مراتب) گرد هم آورده است و همچنین سازماندهی اتحادیه‌های دانشجویی شهرها را به عهده گرفته است. از سال ۱۹۹۷ به عنوان یک اتحادیه دانشجویی آموزشی بوسیله وزارت جوانان و ورزش فرانسه در طیف مردمی شناخته شده است. در انتخابات دانشجویی شعارهای زیر را مطرح می‌کند:

- ۱- تضمین برابری فرصت در دسترسی به دانشگاه‌ها برای تمام احاد جامعه و تسهیل در آزادسازی فرهنگی دانشجویان؛
- ۲- مساعدسازی جهت ورود به بازار کار برای دارندگان مدارک دانشگاهی بوسیله ارتباط با سازمان دولتی مانند: «اداره مساعدسازی شغل برای جوانان» (Agit en faveur l'emploi des jeunes)؛
- ۳- گسترش و توسعه کمک‌های اجتماعی و اقتصادی (les aides sociales) مخصوصاً به جهت مسکن دانشجویی؛
- ۴- تقویت بخشی اعمال کانون‌ها و سازمان‌های دانشگاهی به خصوص در مورد مسائلی که به جامعه مربوط است به عنوان مثال: مسأله امنیت جاده‌ها (les securite routiere).

ب- اتحادیه ملی مابین دانشگاهی (L' union nationale inter universitaire)

این اتحادیه در سال ۱۹۶۸ بوجود آمد و برخی ایده‌های این تشکل عبارتند از:
الف - برای اینکه دانشگاه‌ها تنها تولید کننده آدمهای بیکار و فاقد شغل نباشند شرایط زیر را پیشنهاد می‌کند:

۱. متنوع سازی شرایط مقدماتی دوره‌های کارآموزیهای دانشجویی که درحین تحصیل می‌گذرانند تا پاسخگوی احتیاجات جدید جامعه باشد؛
۲. اعتبار بخشی به آموزش تکنولوژی و حرفه‌ای؛
۳. مساعدسازی تحرک جغرافیایی بطرف کشورهای خارجی؛

۴. توسعه دانشگاه های فنی؛

ب - انجام یک برنامه عظیم ملی برای امر پژوهش و تحقیقات :

- سیاست پژوهشی نمی تواند خود را به حول و حوش و دقیقاً بی کم و کاست وضعیت بودجه ای خلاصه کند. امروزه باید جایگاه صرف نظر نکردنی آگاه سازی ملی به امر پژوهش داده شود که در مجموع عامل پرتوافکنی و فروزندگی و آگاه سازی ملی و به عنوان موتور رشد اقتصادی در نظر گرفته شود؛

- متنوع ساختن منابعی که عامل تصویب و اعطای مالی پژوهش هستند مخصوصاً برای بنیادهای پژوهشی که اخیراً ایجاد شده یا می شود؛

- اصلاح و روان سازی (تسهیل اداری) مراکز بزرگ پژوهشی (مانند CNRS و INRA)؛

- منزلت دادن به مقام و موقعیت دانشجویان محقق.

شعار انتخاباتی این تشکل، تسهیل ورود دانشجویان به زندگی:

۱- هماهنگ سازی نظام آموزش عالی: طرح پیشنهاد یک آموزش عالی با کیفیت جهت

جذب تعداد بیشتر دانشجویان خارجی (برای تحصیل) در دانشگاه های فرانسه؛

۲- آماده سازی پیش زمینه های ورود به دنیای شغلی برای دانشجویان در هنگام ایجاد

دوره های کارآموزی که در حین سال تحصیلی دانشجو آنرا می گذراند؛

۳- مساعده سازی سقف درآمدی دانشجویان از طریق توزیع بورس تحصیلی در حد

سقف ۴/۵۰۰ یورو؛

۴- هدایت تحصیلی افراد دارای دیپلم (جیم ول فری، پیترفیش، ۲۰۰۳).

ج - اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه (Union nationale des des etudiants de France)

اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه ریشه سندیکایی دارد و کثرت گرا (gauche plurielle)

است و اظهار می کند که از ریشه سندیکائی، دفاع از زندگی دانشجویان (که در شطرنج سیاسی

اجباراً جابجا نمی شوند) را به عهده دارد و مطالبات و تقاضاهای اساسی این اتحادیه در

انتخابات دانشجویی:

۱- برقراری کمک هزینه مستقل شخصی برای تمام دانشجویان. در فرانسه از هر ۳

دانشجو یک دانشجو برای تأمین مالی هزینه تحصیلی خود مجبور است کار کند امری که سد

و مانعی برای موفقیت تحصیلی آنهاست. تمام دانشجویان باید از یک کمک هزینه تحصیلی

بهره مند شوند؛

۲- تحول (انقلاب) آموزشی: سعی در افزایش کلاسهای درس در گروه های کوچک

(کم جمعیت) و حذف کلاس های درس در تالار (آمفی تئاتر) دانشکده با جمعیت انبوه که این

شیوه شرایط کمی برای کنش اجتماعی و تأثیر متقابل اجتماعی دانشجویان نسبت بهم را ایجاد می کند که گرایش به تقویت نابرابری هاست؛

۳- اقدام به برنامه ساخت و همچنین بازسازی خوابگاه های دانشجویی (شهرک های دانشگاهی) (des cites universitaires)؛

۴- مبارزه علیه رفرم (اصلاح) ال.ام.دی^۱ و همچنین مبارزه علیه خودگردانی و استقلال دانشگاه ها (بلدن فیلد، ۱۹۷۰).

بخش دوم، تحرکات دانشجویی در ایران

الف. تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران

یکی از تأثیر گذارترین اقشار اجتماعی در عصر مدرن، دانشجویان هستند. همچنین دانشگاه چنان در جوامع غربی و شرقی اثر گذار است که در نگارش تاریخ هر کشوری ناچاریم فصلی را به این مقوله اختصاص دهیم. دانشجویان به مرور به بازیگران مهم در عرصه سیاسی و اجتماعی بدل شدند که هنوز هم این اثر گذاری را حفظ کرده اند. تاریخ ایران هم از این قاعده مستثنا نبوده است. دانشگاه و دانشجویان در تاریخ معاصر ایران نقشی ویژه داشته اند (قاسم پور، ۷۴: ۱).

نگاهی به تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران قبل از انقلاب

درآمد

بی گمان با شکل گیری دانشگاه در ایران در سال ۱۳۱۳، جنبش دانشجویی متولد شد. این جنبش به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در نیم قرن اخیر فراز و فرودهای فراوان داشته است. برای جنبش دانشجویی تعاریف متعدد ذکر شده است؛ اما آنچه در فعالیت های جنبش دانشجویی مبرهن است بافت جمعیتی جوان، آگاهی و نوآوری، داشتن روحیه نقادی و پرسشگری، تمایل به رادیکالیزه شدن در فعالیت ها و رویکردها آرمان خواهی و سیال بودن را می توان اشاره کرد.

سیر تحولات جنبش دانشجویی در ایران

دوره اول ۱۳۱۳-۱۳۲۰: در این دوره که با شکل گیری دانشگاه تهران آغاز می شود.

۱. نمایندگان امور آموزشی کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ در شهر بولونی Bologna اسپانیا گرد هم آمدند و قطعنامه ای در زمینه دانشگاه ها و یکسان سازی امور آموزشی در کشورهای اروپا تصویب کردند که برخی جنبه های آن از جمله ایجاد دانشگاه های خصوصی موجب اعتراض و اعتصاب دانشجویان فرانسوی شد.

تاسیس دانشگاه تهران و جنبش دانشجویی

یکی از ویژگیهای جنبش دانشجویی در ایران، دیرپایی آن نسبت به تأسیس دانشگاه در کشور است. در دوره رضا شاه که حکومت استبدادی به تمام معنا حکم فرما بود، دانشجویان شاغل به تحصیل از حضور در خارج به عنوان بهترین وسیله جهت مبارزه با رژیم وقت استفاده می‌کردند. آنان که تکنولوژی و رونق مادی کشورهای اروپایی را با عقب ماندگی و فقر ایران مقایسه می‌کردند به مدرنیست‌هایی رادیکال‌تر و ناشکیب‌تر از شاه و خدمتگزارانش بدل شدند (همایون کاتوزیان محمدعلی، ۱۳۷۴: ۱۷۰؛ قاسم پور، ۷۴: ۱). از آن جمله تظاهرات دانشجویان ایرانی در آلمان و فرانسه علیه نمایندگان اعزامی رضاشاه و نیز چاپ مقالاتی در نشریات اروپایی علیه حکومت بود که باعث اعتراض شاه شد و در مقطعی تیره شدن روابط ایران با برخی از کشورها را در پی داشت. این اقدام دانشجویان ایرانی در خارج در تغییر سیاست رضاشاه تأثیر داشت به گونه‌ای که جهت در امان ماندن از انتقادات دانشجویانی که در خارج علیه دولت و رژیم به افشاگری می‌پرداختند، تصمیم به تأسیس نخستین دانشگاه مدرن در ایران نقش بسیار داشت (قاسم پور، ۷۴: ۱).

دوره دوم ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰: با سقوط رضاشاه و تأسیس حزب توده در ۱۳۲۰ ش که سعی می‌کرد با استفاده از تمامی ابزار و سازو کارها، در رسیدن به اهداف سیاسی خود مدد گیرد؛ قدمهای اولیه در متشکل شدن جنبش دانشجویی در داخل کشور برداشته شد. در آن تاریخ، شاخه دانشجویی حزب توده در دانشگاه تهران بنیاد نهاده شد. متعاقباً در همین زمان، نخستین «انجمن اسلامی دانشجویان» در سال ۱۳۲۱ در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران تأسیس شد. (حمید احمدی، ۱۳۷۱: ص ۲۹-۲۸).

دوره سوم ۱۳۴۱-۱۳۳۲: نهضت ضداستعماری مردم ایران با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوسیله آمریکا و انگلیس سرکوب شد. دانشجویان در جریان نهضت ملی نفت به حمایت از آن نهضت پرداختند. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دانشجویان یکپارچه به مخالفت با کودتا پرداختند (شوکت حمید: ۱۳۸۰، صص ۱۶۱-۳۷).

دوره چهارم ۱۳۵۷ - ۱۳۴۱: برخوردهای قاطع حضرت امام خمینی باعث نیرومندی جریان مذهبی در این دوره شد. در این دوره گرایش مسلحانه به مبارزه با رژیم شاه اوج گرفت. پس از سرکوب قیام پانزده خرداد، دو تحول اساسی در جنبش دانشجویی رخ داد:

- ۱- گسترش فعالیت‌های سیاسی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به خاطر انسداد سیاسی در داخل کشور؛
- ۲- تشکیل گروه‌های چریکی دانشجویی در داخل کشور. حمله به دانشگاه در اول بهمن ۱۳۴۰ بوسیله رژیم گذشته و دستگیری و زندانی کردن رهبران گروه‌های سیاسی و سپس سرکوب قیام ۱۵ خرداد نشان داد که راه هر گونه فعالیت سیاسی در

چارچوب قانون بسته است (قاسم‌پور، فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۲۷). از ویژگی‌های جنبش دانشجویی در دهه ۱۳۵۰، گسترش آن به سراسر کشور بود. این جنبش‌ها در دانشگاه‌هایی چون تبریز (نیک‌بخت رحیم، ۱۳۸۱) و شیراز برجسته‌تر بود. یکی از وقایع مهم که در تاریخ مبارزات دانشجویی تأثیری بسزا گذاشت واقعه ۵ و ۶ اسفند ۱۳۵۱ دانشگاه تبریز بود. در این واقعه، درخواست صنفی دانشجویان با دخالت پلیس تبدیل به اعتصاب شد و بسیاری از دانشجویان زخمی شدند و دهها تن روانه زندان شدند.

از جمله عواملی که موجب گرایش جنبش دانشجویی به سمت جنگ‌های چریکی و مسلحانه شد می‌توان به مواردی چون، به بن‌بست رسیدن شیوه‌های مبارزاتی مسالمت‌آمیز، عدم کارایی احزاب سنتی در جامعه، رشد خفقان و اقتدار رژیم، رشد جاذبه‌های شیوه‌های مبارزاتی نیروهای انقلابی کوبا، چین و ویتنام اشاره کرد. از جمله عواملی نیز که به افزایش فعالیت دانشجویی در خارج از کشور منجر شد می‌توان به افزایش تعداد دانشجویان فعال ایرانی در دانشگاه‌های خارجی با گرایش‌های مختلف سیاسی، وجود فضای مناسب و مساعد برای مبارزات سیاسی و تشدید خفقان در کشور و لزوم افشای جنایات رژیم گذشته در محافل و مجامع بین‌المللی اشاره کرد. در باره جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به دو سازمان مهم دانشجویی یعنی کنفدراسیون دانشجویان و اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا می‌توان اشاره کرد (جیرانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳). دانشجویان در تمام حوادث سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ حضوری مستمر داشتند و در داخل و خارج از کشور، عرصه را برای رژیم گذشته تنگ کرده بودند.

* جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دانشجویان نقشی ممتاز در عرصه‌های انقلاب اسلامی داشتند که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- ۱- اشغال سفارت آمریکا که دخالت‌های او در امور ایران همچنان ادامه داشت؛ امری که امام از آن تعبیر به انقلاب دوم کردند؛ ۲- حضور حماسی در جنگ و تقدیم هزاران شهید، جانباز و آزاده؛ ۳- فعالیت در حوزه‌های عمرانی و سازندگی کشور؛ ۴- فعالیت در عرصه‌های علمی و فناوری، تولید علم و ایجاد جنبش نرم افزاری (حیدری، ۸۷: ۱۰). گروهی همچون مراد ثقفی (۱۳۷۹) بر آنند که بعد از دوم خرداد ما شاهد آنیم که نخستین بار بخشی از یک حکومت با شعار اصلاحات سیاسی جنبش دانشجویی را به حضوری فعال فرا خواند. در کل می‌توان گفت: این میان مقطع بعد از کودتا علیه دکتر مصدق، مقطع سال‌های ۴۲ و بعد از آن، غائله ۱۶ آذر، انقلاب اسلامی، تسخیر سفارت آمریکا، جنگ تحمیلی، دولت اول و دوم هاشمی، دوم خرداد، دولت اول و دوم خاتمی و در نهایت انتخابات ۳ تیر، مقطعی هستند که

جریان های دانشجویی در آن هر یک به گونه ای اعمال نفوذ نموده اند (محمدی، غلامحسین، کانون اندیشه جوان، ص ۳، ۳۰ خرداد ۱۳۸۶).

نکته ای را که نباید از نظر دور داشت بخشی دیگر از فعالیت های اجتماعی دانشجویان در دانشگاه ها که رسمی و در پرورش شخصیت و نیز آموزش مهارت و نحوه آینده شغلی آنها موثر است؛ تشکل های صنفی علمی و فرهنگی دانشجویان است به اختصار به آن اشاره می کنیم:

*ب: تشکل های دانشجویی در ایران

همانطور که اشاره شد بر خلاف جهت جنبش های دانشجویی که بیشتر دلمشغول مسایل جامعه هستند و زمانی شکل سازمانی به خود می گیرند که رابطه میان جامعه و سیاست حاد شده باشد. تشکل دانشجویی به دنبال خواستهای دانشجویی در وضع عادی است. تشکل یا انجمن دانشجویی، تشکیلاتی نهادگونه است که در اغلب دانشکده ها و دانشگاه ها وجود داد و دفتر و ساختمان مشخص در محوطه محل فعالیت خود دارد و عمده فعالیت های آن در زمینه مسائل اجتماعی و برنامه های درون تشکیلاتی سازمان دانشجویی است. بیشتر انجمن های دانشجویی بوسیله دانشجویان و برای دانشجویان اداره می شوند و از دانشگاه استقلال نسبی دارند. هدف از تشکیل این انجمن ها انعکاس دیدگاه های دانشجویان درباره مسائل دانشگاهی و در برخی موارد در باره مسائل محلی و ملی است. یکی دیگر از مسئولیت ها و وظایف این انجمن ها تامین برخی خدمات برای دانشجویان است و دانشجویان می توانند از طریق عضویت در کمیته های گوناگون، شوراهای دانشجویی، نشست های عمومی یا انتخاب شدن به عنوان کادر اداری این انجمن ها در روند مدیریت این انجمن ها مشارکت داشته باشند. انجمن دانشجویی جایی است که اغلب دانشجویان به کمک آنها اوقات فراغت خود را پر می کنند، لوازم درسی خود را تهیه می کنند، به نام و شهرت می رسند، و استعداد های ناشناخته خود را کشف می کنند. بعضی از دانشجویان با عضویت در این انجمن ها می توانند مشاوره هایی در مورد چگونگی حل معضلات و مشکلات خود و یا نحوه انطباق با محیط زندگی خود دریافت کنند، به ورزش های دسته جمعی بروند و یا در فعالیت های گوناگون از جمله مباحث دانشجویی و بحث های فلسفی در مورد موسیقی، رادیو و تلویزیون، مجلات و روزنامه های دانشجویی، فعالیت های انسان دوستانه و ... شرکت کنند. انجمن های دانشجویی فرصت تعامل را با سایر دانشجویانی که دارای علایق مشابه هستند فراهم می کنند. این تعاملات می تواند هدف های زیادی را دنبال کند، از جمله کمک به ملاقات دانشجویان در یک فضای اجتماعی میان دانشگاهی و بین دانشگاهی، ارتقاء دانش و آگاهی دانشجویان، تقویت مهارت های مدیریتی و رهبری در دانشجویان و آماده سازی آنان برای فعالیت در جامعه، و در مواردی

بهبود اوضاع با طرح هایی که در سطح محلی، منطقه و یا ملی اجرا می کنند. با وجود نقش محوری مطالعه و تحقیق در فضای زندگی دانشگاهی، دانشجویان اشکال ویژه از ارتباطات و تعاملات اجتماعی را در این دوران تجربه می کنند و به فراخور الزامات محیط دانشگاهی و مطالبات موجود، تنوع معمول در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی را در این محیط باز تولید می کنند. در این رهگذر **تشکل های صنفی** یکی از عمده ترین مجاری بروز سلوک نظام مند دانشجویی محسوب می شود که دانشجویان در محیط دانشگاه برپا می سازند و از این طریق علاوه بر تمرین زندگی اجتماعی آینده، مطالبات صنفی و دانشجویی خود را پیگیری می کنند. این تشکل ها، در کنار **تشکل های سیاسی** دانشجویی و **تشکل های علمی** دانشجویی قرار می گیرند و اصرار دارند مرز خود را هر یک از آن دو حفظ کنند. از یک سو، دامنه فعالیت های خود را در درون دانشگاه تعریف می کنند و از این طریق وارد مسائل سیاسی روزمره نمی شوند و از سوی دیگر، با پرداختن به مسائل اولیه و بنیادی زندگی دانشجویی، مباحث و مسائل پیچیده علمی را به **انجمن های علمی دانشجویی** می سپارند (تشکل های صنفی دانشجویان ۱۳۸۶ - دیپاچه و مقدمه).

حضور بیش از سی و پنج هزار عضو فعال دانشجویی در کانون های عضو مجامع و استقبال بیش از ششصد هزار دانشجوی غیر عضو از برنامه های کانونی، منطقه ای و کشوری آن در طول سال نشان از تاثیر گذاری جدی آن در حوزه های متعدد دانشجویی در دانشگاه های کشور دارد (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۶:۱). تعداد کانون های دانشجویی ایران در سال ۸۶ به تعداد زیر بوده است:

تعداد انجمن های علمی دانشجویی: ۲۰۰۰؛

تعداد کانون های فرهنگی هنری: ۷۸۰؛

تعداد نشریات دانشجویی: ۲۹۰۰؛

تعداد تشکل های اسلامی ۱۸۵ ("تشکل های صنفی دانشجویان" چاپ دوم، ۱۳۸۶).

نتیجه

همانطور که قبلاً اشاره شد جنبش های جدید اجتماعی به مبارزه در حوزه فرهنگ توجه دارند و جنبش دانشجویی نیز بخشی از این جنبش های جدید اجتماعی محسوب می شود. این جنبش های دانشجویی در کشورهای مختلف (بر حسب تاریخ و فرهنگ و شرایط شان) ویژگی های خاص خود را دارند. در هر کشوری نیز با گذشت زمان وضعیت های جدیدتر به خود می گیرند. این پژوهش مطالعه ای توصیفی-تطبیقی است که با مطالعه متون (فارسی و لاتین) موجود به پی جویی سئوالات مطرح شده در این تحقیق در مورد بررسی تطبیقی

حرکت‌ها و تشکل‌های دانشجویی در ایران و فرانسه پرداخته است. در کل می‌توان گفت: امروزه در کشورهای غربی از جمله فرانسه دانشجویان به عنوان درصدی مشخص از کل جمعیت کشور، اولاً، مطالبات صنفی خاص خود را از طریق نمایندگان منتخب خود در تشکل فراگیری هم چون اتحادیه‌ی ملی دانشجویان National Union of Students تعقیب می‌کنند و ثانیاً، آرای خود را در سطح کلان جامعه به عنوان شهروندان برابر، از طریق احزاب بزرگ نهادینه شده به صندوق‌های رای می‌ریزند. در چنان جامعه‌ی نقد قدرت بر عهده‌ی احزاب اقلیت، مطبوعات مستقل و تشکل‌های مدنی است.

تشکل‌های دانشجویی در فرانسه سابقه‌ای بیش از یک قرن دارند که در طی زمان به سوی تنوع یافتن در ایده و عمل از یک سو و نیز تمرکزگرایی از سوی دیگر پیش رفته‌اند. این تشکل‌ها به شیوه اتحادیه‌ها متمرکز شده و شکل یافته‌اند و خود این اتحادیه‌ها نیز عضو مجموعه‌های بزرگتر هستند که در سطح اروپا فعالیت می‌کنند. این تشکل‌ها متأثر از شرایط اجتماعی جامعه خود و در مقاطعی خود نیز تاثیر گذار بر آن بوده‌اند. این تشکل‌ها عمدتاً به جهت تخصص و رشته تحصیلی، وضعیت شخصی، اجتماعی، دین، ایده فکری، ملیت، زبان دانشجویان شکل گرفته و بوجود آمده‌اند.

در مقایسه جنبش دانشجویی و تشکل‌های دانشجویی ایران با فرانسه می‌توان گفت: سابقه آموزش عالی فرانسه بسیار قدیمی‌تر از ایران است و امروزه بیشتر توجه انجمن‌های دانشجویی آن به مسایل صنفی دانشجویی است. از ویژگی‌های دانشجویان ایران این است که: جریان دانشجویی ایران دست کم از دوران نهضت ملی و بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیش از هر چیز به جای این که یک جریان صنفی باشد و موضع‌گیری‌های آن در قبال مسایل صنفی و دانشجویی باشد، تشکل آن و حضور آن و موضع‌گیری‌های آن همیشه در قبال مسایل بنیادین منافع ملی بوده است و این یکی از نکات حائز اهمیت در جنبش دانشجویی ایران می‌باشد که دانشجویان موقعیت تشکل خودش به سود صنف خودش بهره نمی‌گیرد، بلکه اصلاً ذهنیتش به دور از مسایل صنفی که به اعتبار گرفتن امکانات رفاهی‌ست، همیشه موضع‌گیری‌اش در چارچوبی صورت می‌گیرد که به مساله‌ی استقلال کشور توجه دارند.

از طرف دیگر، جنبش‌های دانشجویی و نیز تشکل‌های دانشجویی هر دو به دلیل اینکه هرکدام قسمتی از فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان را تشکیل می‌دهند و قابل تبدیل شدن به هم هستند در پژوهش‌ها مناسب است که هم زمان مورد توجه و یا مطالعه قرار گیرند. بر خلاف جنبش‌های دانشجویی که بیشتر دلمشغول مسایل جامعه هستند و زمانی شکل سازمانی به خود می‌گیرند که رابطه میان جامعه و سیاست حاد شده باشد. تشکل‌های دانشجویی به دنبال خواست‌های دانشجویی در وضع عادی است. از دیگر تحرکات دانشجویان معمولاً ایجاد

تشکل های دانشجویی رسمی صنفی، فرهنگی، علمی است. توجه دانشجویان جامعه ما به ایجاد تشکل های صنفی دانشجویی نیز رو به تزاید و نهادینه شدن است که در جامعه فرانسه این سنت ایجاد تشکل های صنفی قبلا بوجود آمده است.

منابع و مأخذ:

الف: فارسی:

۱. امین، سید حسن، (۱۳۸۳)، ۱۶ آذر روز دانشجو. ماهنامه حافظ، صفحه ۸.
۲. باتامور، تام.ب. (۱۳۶۹)، منتقدان جامعه، ترجمه محمدجواهرکلام، تهران: سفیر.
۳. درویش پور، مهرداد، (۱۳۷۹)، جامعه شناسی سیاسی جنبش دانشجویی، ماهنامه اندیشه جامعه.
۴. تشکلهای صنفی دانشجویی، (۱۳۸۶)، "نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مقدمه کتاب صفحه ۱.
۵. ثقفی، مراد، (۱۳۷۹)، "دانشجو، دولت و انقلاب" مجله گفتگو.
۶. جیرانی، هوشنگ، (۱۳۷۷)، "جنبش دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷"، / به راهنمایی: صادق زیباکلام. پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران. صفحه ۱۳۳.
۷. حیدری نصرت ... (۱۳۸۷/۱۰/۲)، "جنبش دانشجویی در ایران دیروز، امروز و فردا" - هفته نامه صحیح صادق - شماره ۳۸۱، صفحه ۱۰.
۸. حیدری، احمد، دانشجو، تشکل های دانشجویی و فرهنگ سازی.
۹. رئوفی، محمود، (۱۳۷۴)، دانشگاه و توسعه فرهنگی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲، سال سوم.
۱۰. ریاضی، ابوالحسن، (۱۳۷۹)، کانون های دانشجویی؛ پیشینه، چشم انداز آینده، کانون های دانشجویی کارکردهای آموزشی، اجتماعی، سیاسی، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. سراج زاده، حسین، (۱۳۷۹)، "کارکردهای آموزشی تشکل های دانشجویی"، در نشریه کانون های دانشجویی: کارکردهای آموزشی، اجتماعی، سیاسی، دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۱۲. سفیری، مسعود، (۱۳۷۹)، دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی ایران: گفتگو با ابراهیم اصغرزاده ... و مقاله هایی از احمد زیدآبادی.../ به اهتمام مسعود سفیری- تهران: نشر نی، هشت، مصور.
۱۳. شریعتی، سوسن، (۱۶ آذر ۱۳۸۲)، یک شورش ضروری یک جنبش موفق، روز نامه شرق.
۱۴. شوکت حمید، کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی، عطایی، ۱۳۸۰.
۱۵. قاسم پور، داود، (۱۳۴۲)، نقش دانشجویان دانشگاه تهران در نهضت ۱۵ خرداد، فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۲۷.
۱۶. قاسم پور، داود، (تیر و مرداد ۱۳۸۷)، "نگاهی به تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران قبل از انقلاب": در دو ماه نامه فرهنگی-اجتماعی "دانشجو" شماره ۱، وزارت علوم تحقیقات و فناوری- معاونت اجتماعی- فرهنگی.
۱۷. کاشی، محمد جواد غلامرضا، (۱۳۸۳)، "کارکردهای سیاسی کانون های دانشجویی" وزارت علوم تحقیقات و فناوری معاونت فرهنگی.
۱۸. کاظمی، عباس، (تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۸۳)، "تصرف قدرت یا دفاع از جامعه" شرق شماره ۳۵۹.
۱۹. گرانباه، بهروز، (۱۳۷۹)، "ماهیت جنبش دانشجویی و موقعیت کنونی آن در ایران" (صفحات ۱۸۹ تا ۱۹۳) در کتاب سفیری، مسعود).
۲۰. ملکا آشتیانی، ایمان، (۱ آذر ۱۳۸۶)، "بازخوانی و آسیب شناسی لایه های جنبش دانشجویی" کانون اندیشه جوان.

۲۱. مشاطیان شایان، رضا، (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، " طرح موضوع، کانونهای دانشجویی؛ روشها و کارکردها" در سی دی هفده عنوان اثر در حوزه مطالعات راهبردی کاربردی و زنان وزارت علوم تحقیقات و فناوری معاونت فرهنگی-اجتماعی دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی انتشارات.
۲۲. مشاطیان شایان، رضا، دبیر مجموعه: "کانونهای دانشجویی، کارکردهای آموزشی اجتماعی" مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۲۳. مشایخی، مهرداد، (۱۳۸۳)، خرده فرهنگ جنبش دانشجویی، شرق شماره ۳۵۹، ۱۶ آذر ۱۳۸۳.
۲۴. اداره کل امور فرهنگی، (۱۳۸۶)، "اهم فعالیت‌های دفتر امور کانون‌ها" گزارش فعالیت‌ها وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۲۵. محمدی، غلامحسین، (۳ خرداد ۸۶)، "خرده نظامی به نام جنبش دانشجویی" - کانون اندیشه جوان.
۲۶. مشایخی، مهرداد، (۱۶ آذر ۱۳۸۳)، "خرده فرهنگ جنبش دانشجویی" شرق شماره ۳۵۹.
۲۷. نامه فرهنگی، (شماره سیزدهم دی ۸۶) "صیانت از عدالت خواهی و آرمان گرایی جنبش های دانشجویی" وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۲۸. نیک‌بخت، رحیم، (۱۳۸۱)، جنبش دانشجویی دانشگاه تبریز به روایت اسناد و خاطرات تهران حوزه هنری - سوره مهر.

ب. خارجی:

1. A. Daniel Singer (2002), [Student Politics in France: A Study of the Union Nationale des Etudiants de France](#).
2. Daniel Singer, (2002), Prelude to Revolution: France in May 1968 by (ed. paper back)
3. Encyclopaedia quid (2005), section : organizations etudiants.edtion -france.
4. F.Perlmanand R Gregoire (2002), [Worker-Student Action Committees: France. May '68](#) (Paperback - Jan 1, 2002).
5. Frank L. Wilson (1988), [Interest-Group Politics in France](#) (ed.Hardcover - Feb 26, 1988).
6. The French student movement and Bologna process [www.wikipedia.org/wiki/ Bologna _ process](http://www.wikipedia.org/wiki/Bologna_process).

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- "موانع بین المللی رشد همگرایی در اروپای باختری"، سال ۶۹، شماره ۲۵ - "یک کتاب و یک بینش"، سال ۷۰، شماره ۲۶؛ "تحولات نظام حزبی در انگلستان"، سال ۷۱، شماره ۲۸؛ "نظریه دیپلماتیک - استراتژیک در روابط بین الملل"، سال ۷۲، شماره ۳۰؛ "بازاندیشی امپریالیسم در روابط بین الملل"، سال ۷۴، شماره ۳۴؛ "بررسی تأثیر بین الملل"، سال ۷۲، شماره ۳۰؛ "بررسی تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی بر زندگی حزبی در جوامع پیشرفته صنعتی"، سال ۷۸، شماره ۴۳؛ "شیعه و منازعات سیاسی خاورمیانه"، سال ۷۹، شماره ۴۷؛ "سیاست های اشتغال دولت فرانسه در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰: منطق و جهت های اساسی"، سال ۸۲، شماره ۵۹؛ "بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات و ستفالی"، سال ۸۳، شماره ۶۵؛ "چه عواملی در توسعه علوم سیاسی و روابط بین الملل موثر افتاد"، سال ۸۵، شماره ۷۱؛ "نوسازی سیاسی و شکل گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (براساس رویکرد هانتینگتون)"، سال ۸۸، شماره ۴؛ "علل توسعه اقتصادی در آسیای جنوب شرقی"، سال ۹۰، شماره ۱.